

جاودانگی قرآن و ارتباط آن با نخستین مفسران قرآن (اهل بیت علیهم‌السلام)

مریم اسحاق زاده^۱

سید محمد نوراللهی^۲

چکیده

از دیگر ویژگی‌های عام و فراگیر قرآن جاودانگی آن است، قرآن در عین حال که دارای اصولی ثابت و ولایتیغیر است، همگام با زمان و جلوتر از آن پیش می‌رود؛ و در هر عصر و نسل و حقایقی جدید و بکر و دست‌نخورده از آن کشف می‌شود مامعتقدیم «جاودانگی» محور مناسبی برای پیوند این دسته از ویژگی‌های قرآن است. به ویژه آن که، اصول و رهنمودهای تفسیری قابل توجهی از اهل بیت علیهم‌السلام این است که قرآن بیان‌گر خطوط کلی و اصول اساسی است. و از مباحث مهم که تقریباً در تمام کتب تفسیر و علوم قرآنی، از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است مسئله متشابهات است که در اینجا از زاویه جاودانگی قرآن به آن پرداخته می‌شود. به طور قطع بخشی از متشابهات ناشی از قصور الفاظ در بیان معانی ژرف و عمیق قرآنی است. و هر کس متشابه قرآن را به محکم رد کند به صراز مستقیم هدایت شده است از دیگر ویژگی‌های قرآن که ریشه در جاودانگی قرآن دارد، بحث ناسخ و منسوخ است نکته بسیار مهم که در لسان اهل بیت علیهم‌السلام بارها بر آن تاکید شده است، بازشناسی ناسخ و منسوخ است دلیل آن روشن است چرا که باید معلوم باشد که آنچه مطلوب الهی چیست؟ و اینکه از رهنمودهای تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام لزوم شناخت دقیق ناسخ و منسوخ و استفاده به جا از آن تفسیر می‌باشد.

واژگان کلیدی

جاودانگی، قرآن، مفسران، تشابه.

۱. استاد دانشگاه رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ملارد، مدرک دکترای فلسفه از آکادمی علوم الیازمالار آذربایجان.

Email: maryamethhaghzadeh@yahoo.com

۲. گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، ایران

Email: m.noorollahi1340@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۰/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۲۷

طرح مسأله

شناخت جامع و منسجم مفاهیم و پیام‌های قرآن در گرو تفسیر آن است. در در پرتو تفسیر قرآن ارتباط معنایی بسیاری از آیات آشکار می‌شود. تفسیر قرآن اگر براساس شرایط و ضوابط ضروری این علم صورت گیرد، اندیشمند مسلمان را قادر می‌سازد تا به دیدگاه‌های قرآن درباره‌ی مسائل و موضوعات گوناگون مورد نیاز بشر، در عرصه‌ای مختلف دست یابد و از سویی این امکان را فراهم می‌کند که خود نیز در عرصه اندیشه و عمل نمونه یک انسان قرآنی باشد.

از ویژگی‌های عام و فراگیر قرآن جاودانگی آن است، لازمه جاودانگی قرآن این است که قرآن بیان‌گر خطوط کلی و اساسی است. از مباحث مهم که تقریباً در تمام کتب تفسیر و علوم قرآنی، از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است، مسئله تشابهات است که در اینجا از زاویه جاودانگی قرآن به آن پرداخته می‌شود به طور قطع هر کس متشابه قرآن را به محکمی آن رد کند، به صراط مستقیم هدایت شده است. از دیگر ویژگی‌های قرآن که ریشه در جاودانگی قرآن دارد، بحث ناسخ و منسوخ است. نقطه مهم بازشناسی ناسخ و منسوخ است دلیل آن روشن است چرا که باید معلوم باشد که آنچه مطلوب الهی است چیست؟ و اینکه از رهنمودهای تفسیری اهل بیت (ع) لزوم شناخت دقیق ناسخ و منسوخ و استفاده به جا از آن تفسیر می‌باشد.

تاریخچه‌ی تحقیق (پیشینه)

موضوع جاودانگی قرآن و ارتباط آن با نسخ‌تین مفسران قرآن (اهل بیت (ع)) از زمان نزول قرآن کریم آغاز می‌شود و اولین مفسر قرآن کریم کسی نیست جز شخصیت عظیم شان گرامی حضرت رسول اکرم (ص) و بعد از ایشان حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) می‌باشد. پیامبر عظیم‌شان اسلام (ص) اندکی قبل از رحلت، برای آخرین بار، حدیث ثقلین را تکرار نموده ف عدم جدایی قرآن و اهل بیت (ع) را به امت گوشزد فرمودند: بدون شک یکی از مهمترین دلایل عنایت پیامبر اکرم (ص) با این امر مهم، موضوع تفسیر پذیری قرآن بود که این که آن حضرت خود می‌فرمودند: بیشترین چیزی که از آن بر امت خود نگران هستیم، این است که پس از درگذشت من کسی قرآن را در دست گیرد و به تفسیر آن

بپردازد ولی آن را در جایگاه واقعی و معانی درستش قرار ندهد. (محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۲)؛ بنابراین وجود مفسران الهی در بیان مردم و معرفی آنان از جانب پیامبر (ص) اجتناب ناپذیر بود. در زمان پیامبر (ص) چنانچه مردم با ابهامی در فهم آیات مواجه می شدند حضوراً با آن بزرگوار، مراجعه و ابهام خود را رفع می نمودند.

این رویه در میان شیعیان تا حضور آخرین امام (ع) ادامه داشت. و در زمان غیبت صغری نیز نایبان خاص آن حضرت (عج) سوالات مردم را مکتوب خدمت آن حضرت (ع) ارائه داده، پاسخ آن را دریافت و در اختیار مردم قرار می دادند خوشبختانه شمار زیادی از این مکتوبات در منابع شیعه موجود می باشد، تا این زمان به وجود کتب تفسیر چندین احساس نیاز نمی باشد. اما با ورود به یک علم نمایان شد، به ویژه گسترش اسلام به میان جوامع مختلف که از چندی قبل آغاز شده بود، این نیاز راتشدید و مضاعف می نمود. بنابراین اولین تلاشها در جهت تدوین آثار تفسیری شکل گرفت. این تلاشها در ابتدا، به طور عمده متوجه جمع اوری احادیث ذیل آیات مربوط بود چرا که همه اذعان داشتند، کلید فهم زبان وحی در دست نبی (ص) و جانشینان اوست هر چند در شناخت جانشینان دچار اختلاف بودند. اما این تلاش به تنهایی بسنده نبود چرا که اولاً احادیث موجود کل آیات قرآن را فرا نمی گرفت و ثانیاً همین نیز پاسخگویی نیازهای زمان نبود چرا که این احادیث، در پاسخ مردم زمان معصوم صادر شده و ناظر بر نیازهای آن زمان بود. در تکاپو برای رفع نقیصه فوق گروهی به احادیث ضعیف السند و اسرائیلی روی آورده و آن را به منتیخ فوق ضمیمه کردن و گروهی دیگر نیز به راه های دیگر از جمله، تفسیر عقلی، فلسفی، ارفانی ... متوسل شدند. لذا در کنار بررسی سندی این روایات گام مهم دیگر بهره برداری صحیح و مناسب از این آثار بود که متأسفانه، سالها به گلچین این احادیث متناسب با ذوق مفسر و نقل آن ذیل آیات به عنوان شاهد و دلیل تفسیر اکتفا می شد. خوشبختانه در سالهای اخیر نگرشی جدید به آثار تفسیری اهل بیت (ع) شده است.

از دیگر ویژگی‌های عام و فراگیر قرآن آن است، امام رضا^(ع) در این رابطه میفرماید:

قرآن ریسمان دستوار و متین و دستگیره محکم و در خور اعتماد و راهی نمونه و بی بدیل است که به بهشت منتهی می‌شود و از دوزخ رهایی می‌بخشد. در طول زمان کهنه نمی‌شود و ارجمندی و وزانت خود را ازدست نمی‌دهد زیرا آن برای یک عصر قرار داده نشده است بلکه راهنما و برهان و محبت برهرانسان است. باطل و نادروستی و کثی در آن راه نمی‌یابد. نه از پیش رو نه از گذشته‌ها و چشت سر، (چرا که) فرستاده از جانب حکیم حمید است. (محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج، ص ۱۴)

قرآن در عین حال که دارای اصولی ثابت و لایتغیر است، همگام با زمان و جلوتر از آن پیش میرود و در هر عصر و نسل حقایقی جدید و بکر از آن کشف می‌شود.

راز این تلفیق دوگانه ثبوت و حرکت چیست؟

چگونه ممکن است چیزی هم ثابت باشد و هم همراه با متغیرات؟

قرآن خود پاسخ می‌گوید: «الم تر کیف ضرب الله مثلا کلمة کشجرة طیبه اصلها ثابت و فرعها فی السماء توتی اکلها کل حین باذن ربها و یضرب الله الامثال للناس لعلهم یتذکرون.» (ابراهیم ۲۵، ۲۴)

آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده: سخنی پاک که مانند درختی پاک است که ریشه اش استوار و شاخه اش در آسمان است. میوه اش را هر دم به اذن پرودگارش می‌دهد. و خدا مثلها را برای مردم می‌زند. شاید که آنان پندگیرند. حال بینیم قرآن برای ملبس شدن به جاودانگی الزاماً چه ویژگیهایی را باید دارا باشد.

الزامات جاودانگی

تحت این عنوان، به بررسی و ویژگیهایی می‌پردازیم که لازمه جاودانه بودن قرآن است. البته شایان ذکر است؛ منظور، منحصر کردن فلسفه وجودی و منشأ این ویژگی‌ها در عامل جاودانگی نیست. ما میگوییم از دیدگاه و منظر جاودانگی قرآن، این ضرورتها برای قرآن مشاهده می‌شود و معتقدیم، جاودانگی محور مناسبی برای پیوند این دسته از ویژگیهای قرآن است. به ویژه آن که، اصول و رهنمودهای تفسیری قابل توجهی از اهل

بیت (ع) از این رهگذر مکشوف می گردد.

۱. قرآن و بیان خطوط کلی و اصول اساسی

یکی از ویژگی‌های قرآن که لازمه جاودانگی قرآن است این است که قرآن بیانگر خطوط کلی و اصول اساسی است. اگر قرآن بیانگر جزئیات مسائل و نمایانگر حوادث خاص بود با سپردی شدن ایام آن جزئیات و حوادث، ایام قرآن نیز سپری می شد و با گذشت زمان، تنها ارزشی که برای آن باقی می ماند ارزش تاریخی آن بود.

امام باقر (ع) چنین می فرماید:

«اگر بنا بود آیه ای که درباره قومی نازل شده، پس از مردن آن قوم بمیرد. از قرآن چیزی برجای نمی ماند لیکن تازمانی که آسمانها و زمین باقی است، سراسر قرآن در جریان خواهد بود.» (محمد بن مسعود بن عیاش، التفسیر، ج ۱، ص ۱۰)

و امام رضا (ع) چنین می فرماید:

«خدای متعال قرآن را مخصوص زمان خاص غیر از زمانهای دیگر و مردمانی جز مردمان دیگر قرار نداده است. و به همین جهت است که هر زمان نو وجدید و در نزد هر قوم تاروز قیامت تازه است.» (محمد باقر مجلسی، بحالانوار، ج ۲، ص ۲۸۰)

نیاز دو سویه قرآن و سنت

بنابراین، قرآن برای تضمین جاودانگی و تداوم حیات معارف و قانون گذاریهای خود به گونه ای کلی و بدون طرح جزئیات به بیان مسائل پرداخته و ناگزیر همراه بانوعی اطلاق و کلیت و شمول است. که می بایست بوسیله سنت قیدها و خصوصیات ثابت و متغیران بیان شود. چه بسا جمله معروف پیامبر (ص) که می فرمودند: «انی تارک فیکم الثقلین...» نیز از همین واقعیت نیازمندی دو سویه کتاب و سنت ناشی شده باشد.

این بیان که سنت و قرآن در طول یکدیگر، یکی کل و دیگری توضیح و تفسیر آن نشانگر این واقعیت است که چگونه سنت و قرآن مکمل یکدیگرند. بدون آن که این مطلب به جامعیت قرآن خدشه ای وارد کند و دیگر این که چگونه قرآن در عین استقلال و ظهور مفاهیم نیازمند سنت است. نتیجه آن که قرآن دنبال جزئیات مسائل نباشیم و هم خود را صرف دریافت اصولی کلی و پیامهای انسان ساز و هدایت گر جاودانه آن بگردانیم.

«سقولون ثلاثه رابعهم کلبهم و یقولون خمسه سادسهم کلبهم رجما بالغیب و یقولون سبعة و ثامنهم کلبهم قل ربی اعلم بعدهم ما یعلمهم الا قلیل فلا تمار فیهم الا مرأ ظاهراً ولا تستفت فیهم منهم احداً»؛

«به زودی خواهند گفت: سه تن بودند و چهارمین آنها سگشان بود و می گویند پنج تن بودند و ششمین آنها سگشان بود. تیر در تاریکی می اندازند و می گویند هفت تن بودند و هشتمین آنها سگشان بود. بگو پروردگارم به تعداد آنها آگاه تر است. جز اندکی (کسی شماره) آنها را نمی داند. پس درباره ایشان جز به صورت ظاهر جدال مکن و در مورد آنها از هیچکس جویا مشو». (کهف\۲۲)

البته این، به آن معنا نیست که در قرآن به هیچ وجه جزئیات مطرح نشده است که واقعیت خلاف آن نشان می دهد. بلکه منظور آن است که زبان قرآن، زبان بیان اصول و قواعد کلی است یعنی حتی آنجا هم که از اشخاص نام برده و یا به جزئیات یک واقعه اشاره شده است. باز در صدد طرح یک قاعده کلی می باشد. لذا در همین موارد نیز همچون کتب تاریخی تمام جزئیات را بازگو نکرده بلکه فقط مواردی خاص گلچین شده است که از تدبر در آن موارد پیامها و رهنمودهای حکیمانه استنباط می شود.

مثلاً: بیان عبارت "ورث سلیمان داود" (وسلیمان که وارث ملک داود شد). (نحل ۱۶)

بازبانی که روایت گر تاریخ است حاکی از آن است که سلیمان پیامبر از پدرش داوود پیامبر ارث برد. اما وقتی قرآن این را می گوید این جمله نشانگر میراث انبیاء است و از آن یک قاعده کلی برای همیشه تاریخ بیرون می آید که به هیچ وجه محصور در مقطع زمانی سلیمان و داوود نیست.

لذا حضرت صدیقه کبری(ع) از این عبارت قرآنی در مقابل خصم که به یک روایت جعلی متمسک شده بود، استفاده فرمودند. (محمد دشتی، نهج الحیاء، ص ۱۰۶)

در ضمن از قضیه فوق می توان به عنوان رهنمودی عملی در نحوه عرضه روایات به قرآن، بهره برد.

۲. تشابه در قرآن

از مباحث مهم که تقریباً در تمام کتب تفسیر و علوم قرآنی، از دیدگاههای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است، مسئله متشابهات است که در اینجا از زاویه جاودانگی قرآن به آن پرداخته می شود.

الف. معنی تشابه در قرآن

تشابه در قرآن به دو معنا به کار رفته است: (محمد هادی معرفت، علوم قرآنی، ص ۲۷۲)

(۱) همانند و یکسان بودن و چنانچه در سوره زمر می خوانیم.

(الله نزل احسن الحديث كتاباً متشابهاً مثاني تقشعر منه جلود الذين يخشون ربهم...)

(زمر/ ۲۳)

خداوند بهترین گفتار را فرود فرستاده و آن نوشته ای است یکسان و یک نواخت قابل تکرار در تلاوت آنان که از پروردگارشان می هراسند اندام بدنشان از آن به لرزه می افتد.

(۲) شبه انگیز بودن گفتار یا کرداری که به هر دلیلی مقصود آن پنهان بوده و شبه انگیز

باشد. در سوره بقره آمده: «إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا و انا آن شاء الله لَمَهْتَدُونَ» (بقره / ۷۰)

گاوی که دستور ذبح آن صادر شده برای ما - بنی اسرائیل - مایه شبهه است. روشن نیست که مقصود چگونه گاوی است.

آنچه که بحث برانگیز بوده و در اینجا نیز منظوری می باشد تشابه در معنای دوم است.

ب. حکمت و فلسفه تشابه در قرآن

به طور قطع بخشی از متشابهات ناشی از قصور الفاظ در بیان معانی ژرف و عمیق قرآنی ایست. که ناچار می بایست آن معانی ژرف در قالب همین الفاظ به شکل تمثیل گونه بیان شود. از این بخش که بگذریم به نوع دیگری از متشابهات بر می خوریم که شکل مقصور لفظ در آنها دیده می شود چرا که با همین الفاظ ظاهراً می شد به گونه ای بیان شود که شبهه ناک نباشد. اما ترجیح داده شده است که به همان شیوه متاشبه بیان شود حکمت چیست؟

امام علی (ع) میفرماید: خداوند متعال از آن جا که دارای رحمت گسترده است و می دانست که در طول زمان دستهای تحریف گر در صدد تغییر کلام او برمی آیند، کلام

خویش را به سه دسته تقسیم کرده است.

۱. بخشی از معارف قرآن به گونه ای قرار داده که عالم و عامی میفهمند.
۲. بخشی دیگر به گونه ای که جزء ذهن هایی صاف و احساس های لطیف و نقطه سنجهایی که خداوند سینه ی آنان را برای فهم اسلام و وسیع قرار داده، در نیابند.
۳. بخش دیگر جزء خدا و پیامبران و راسخان در علم نمی فهمند. این کار را برای آن کرده که اهل باطل به میراث پیامبر (ص) دست نیابند تا از راه علم به کتاب آنچه را که خداوند برای آنان قرار نداده ادعا نکنند و اضطرار آنان را به مشورت با ولی امرشان و ادارد. (محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۲۰)

ج. ارتباط تشابه در قرآن با جاودانگی

از آنجا که مقرر گردیده این کتاب جاودانه بماند، طبعاً در طول تاریخ فرقه ها و نحله هایی رنگارنگی خواهند آمد که با انگیزه هایی نفسانی و افکار پلیدی که در سر می پروراند، احکام و برنامه های حیات بخش قرآن را مانع خود خواهند دید. و چون قدرت مقابله مستقیم با قرآن را در خود نمی بینند، وجود آیه های مشابه آنها را وسوسه می کند که از نزدیک ترین راه خود را به مقصود برسانند یعنی به جای در دسر مبارزه با قرآن، خود را پیرو آن نشان دهند و با تکیه بر آن بخش از تشابهات که منظور آنان را تامین می نماید، شروع میکنند به تفسیر و تعویل آن بر اساس افکار منحرف خود؛ پیرامون این مطلب در سوره آل عمران آمده است:

«فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ»؛

«پس آنان که در دلشان انحراف است برای فتنه جوئی و طلب تاویل (به دلخواه

خود) از تشابهات آن پیروی می کنند». (آل عمران، قسمتی از آیه ۷)

غافل از اینکه با این کار، زمینه نابودی خود را فراهم میکنند؛ چرا که تفسیر و تاویل باطل آنها با کلمات قرآن در تعارض خواهد بود. این تعارض چیزی نیست که از دید عالمان حقیقی پنهان بماند. عالمانی که موضع حق و استوارشان، آنها را پناهگاه دین مردم در مقابل تندبادهای ویرانگر قراردادده است. آنها با سلاح یکپارچگی و عدم تعارض آیات به سراغ منحرفین می روند و با این بیان که کل قرآن از جانب خداست و در آن هیچ گونه

تناقض و تعارضی راه نمی یابد، با تکیه بر ایمان خود و مردم به کل قرآن، بطلان عقاید آنها را به مردم نشان می دهند.

«وَأَلْرَاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا»؛ «و ریشه داران در علم می گویند ما به (کل آن) ایمان آوردیم همه آن از جانب پروردگار ماست». (آل عمران، قسمتی از آیه ۷)

بنابراین حداقل دربخشی از تشابهات، خواه تأویل آن شخص شود یا نشود، این خاصیت دائمی و همیشگی وجود دارد که به وسیله آن چهره منحرفین افشا می گردد، و از این طریق قرآن در سیر جاودانه خود از تهاجم بدخواهان و منحرفین مصون و محفوظ می ماند.

حضرت امیرالمومنین (ع) علی می فرمایند:

فلو إن الباطل خلس من مزاج الحق لم يخف على المرتادين ، ولو إن الحق خلس من لبس الباطل ، انقطعت عنه السن المعاندين . ولكن يوءخذ من هذا ضغث و من هذا ضعث ، فيمزجهم فنهالك يستولى الشيطان على اوليائه و ينجو {الذين سبقت لهم من الله الحسنی} .
پس اگر حق و باطل در هم نمی آمیخت راه حق بر هوا خواهانش پوشیده نمی شد .
و اگر حق لباس باطل نمی پوشید گفتار بد دشمنان به پایان می رسید. اما قسمتی از حق با قسمتی از باطل در هم آمیخته است و از اینجاست که شیطان بر دوستان خویش مسلط می گردد و کسانی که عنایت حق تعالی شامل حال آنهاست ، نجات می یابند . (نهج البلاغه، سید علینقی فیض الاسلام، خطبه ۵۰، ص ۱۳۷)

د. راه صحیح برخورد با تشابهات

۱) تشابه (از آنجا که شبهه ناک است) ایمان آری ، عمل نه در روایت از رسول الله آمده است : «وان القرآن لم ينزل ليكذب بعضه بعضاً ولكن نزل أن يصدق بعضه بعضاً فما عرفتم منه فاعملوا به و ما تشابه عليكم فآمنوا به» .

قرآن اینگونه نازل نشده که قسمتی از آن قسمت دیگر را تکذیب کند . لیکن اینگونه است که هر بخش آن بخش دیگر را تصدیق می کند . پس آن مقدار از آنکه شناختید به آن عمل کنید و آنچه که به شما شبهه ناک به آن ایمان داشته باشید . (سیوطی جلال الدین ،

ارلدر المنشور، ص ۲۹۹)

۲) رد متشابه به حکم: هر کس متشابه قرآن را به محکم آن رد کند به صراط مستقیم هدایت شده است. (محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۳۷۷)

۳) تاویل آن نزد اوصیاء است: قال الصادق (ع): «انما ملک الناس فی المتشابه به لا نهم لم یقفوا علی معنا و لم یعرفوا حقیقته فوضعوا له تاویله من انفسهم بأرائهم واستغنوا بذلک عن مسئلة الاوصیاء»؛

«به درستی که مردم خود را در متشابهات به هلاکت انداختند چرا که حقیقت معنای آنرا ندانستند و از پیش خود چیزی را به عنوان تاویل برای آن قرار دادند و خود را از سوال اوصیاء پیامبر (ص) بی نیاز دانستند. (شیخ حرالعاملی، وسائل الشیعه ج ۸، ص ۱۴۸)

۳. ناسخ و منسوخ

از دیگر ویژگی‌های قرآن که ریشه در جاودانگی قرآن دارد، بحث ناسخ و منسوخ است که در این قسمت با ذکر مقدمه ای به تبیین آن می پردازیم.

تغییر و تبدیل در قانون الهی چرا؟

قانون گذار حکیم همواره شرایط و توانایی‌های جامعه ای که برای آنها قانون وضع می کند را در نظر می گیرد. قانونی که برای یک جامعه ابتدایی و عقب مانده وضع می شود، با قانونی که برای یک جامعه تکامل یافته وضع می شود، متفاوت است. از طرفی جوامع بشری همواره در حال تغییر و تحول است. بنابراین قانونی که امسال برای یک جامعه تدوین در حال تغییر و تحول است. بنابراین قانونی که امسال برای یک جامعه تدوین می گردد. هر چند قانونی مطابق واقعیات فعلی جامعه باشد، چند سال دیگر می بایست دست خوش بازنگری و تجدید نظر گردد، چرا که شرایط تغییر می کند. قانون الهی برای هدایت انسان‌ها از ظلمات، به طرف تاریکی هاست و با فطرت انسانها سرو کار دارد و فطرت انسانها هم که ثابت است.

- ارتباط ناسخ و منسوخ با جاودانگی قرآن

اگر قانون الهی برای یک مقطع خاص تاریخ مثلا زمان حیات پیامبر باشد. شاید نیازی

به این که قوانین متغیر در کتاب الهی ثبت شود نباشد. چون پیامبر حاضر و ناظر بر شرایط است و بادستورات مستقیمی که به امت خود می دهد، آنها را در شرایط مختلف هدایت می کند. اما قرآن کتاب جاوید است، این کتاب می بایست بعد از حیات دنیوی پیامبر (ص) به راه خود ادامه و مرجع نسلهای بعد از پیامبر (ص) باشد. اگر تنها قانون مطلوب و متکامل (ناسخ) در قرآن ثبت می شود، در شرایطی که در غیاب پیامبر (ص) جوامع جدید با همان شرایط ابتدائی زمان پیامبر مواجه می شدن، تا مدتها بلا تکلیف می ماندند. بنابراین بحث نسخ، و بررسی آیات و احکام منسوخ صرفاً یک بحث تاریخی نیست بلکه چراغی است فرا راه آیندگان، تا در تاریکیها راه خود را گم نکنند. (محمد هادی معرفت، علوم قرآنی، ص ۲۶۴)

- ضرورت شناخت ناسخ از منسوخ

نکته ی بسیار مهم که در لسان اهل بیت (ع) بارها بر آن تاکید شده است، بازشناسی ناسخ و منسوخ است دلیل آن روشن است چرا که باید معلوم باشد که آنچه مطلوب الهی است چیست؟ و آنچه که موقتاً به عنوان رعایت حال جامعه و از روی رحمت و رأفت ابلاغ گردیده کدام است. ناسخ و منسوخ مانند دونهسخه پزشکی حاذق است که برای دوش شرایط متفاوت بیمار صادر گردیده است. مسلماً جابجایی آنها در مرحله عمل، نتایج هلاکت باری به دنبال دارد. علی (ع) به مرد قاضی فرمود: آیا ناسخ و منسوخ را می شناسی؟ عرض کردم: نه، امام فرمود: به هلاکت افتاده ای و به هلاکت می اندازی. (محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۹۵)

و نیز به مردی که در مسجد به مردم تذکر و بیم می داد، فرمود: آیا ناسخ را از منسوخ بازمی شناسی؟ عرض کردم: خیر، امام فرمود: از مسجد بیرون رو و در آن به بیم دادن مردم بپرداز. (جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۱، ص ۲۵۹)

تأثیر شناخت ناسخ و منسوخ در تفسیر

از رهنمودهای تفسیری اهل بیت (ع) لزوم شناخت دقیق ناسخ و منسوخ و استفاده بجای آن در تفسیر می باشد. در روایتی علی (ع) می فرماید: (محمد بن سعید بن عیاش، التفسیر، ج ۱، ص ۱۲۲)

عده زنان در زمان جاهلیت یک سال بود و زن شوهر مرده تعهد می کرد که به مدت یک سال از سورمه کشیدن، شانه کردن بر مو، استعمال بوی خوش و ازدواج پرهیزد در این صورت او را به مدت یک سال از خانه اش بیرون نمی کردند و در این مدت هزینه زندگی زن را از دارایی شوهرش می پرداختند. بر این اساس در صدر اسلام خداوند این آیه را فرو فرستاد:

«والذین یتوفون منکم و یدرون ازواج و صیبه لاوزاجهم متاعا الی الحول غیراخراج»
(بقره ۲۴۰)

و کسانی که از شما در آستانه مرگ قرار می گیرند و همسرانی به جا می گذارند، باید برای همسران خود وصیت کنند که تا یک سال آنان را بهره مند سازند، در صورتی که آنان از (خانه شوهر) بیرون نروند و هنگامی که اسلام نیرومند گردید، خداوند این آیه را نازل فرمود:

«والذین یتوفون منکم و یدرون ازواج یتربصن با نفسهن اربعه اشهر و عشا»؛ (بقره ۲۳۴)
«و کسانی که از شما می میرند و همسرانی باقی میگذارند، باید چهار ماه و ده روز انتظار کشند و (عده نگهدارند)».

نتیجه گیری

شناخت کامل قرآن در گرو تفسیر قرآن است و در پرتو تفسیر آیات قرآن ارتباط معنایی بسیاری از آیات روشن می شود و این تفسیر معنوی قرآن است که نیاز به آگاهی های ژرف دینی و آشنایی با روح فرهنگ قرآنی دارد و این چیزی نیست که همواره از منابع دانش و تجربه های بسری، ارتزاقی کند؛ بلکه تفسیر معنوی کتاب الهی، ویژه کسانی است که در قرآن به عنوان «اولوالالباب»، «اهل الذکر»، «مطهرون» یاد شده اند. و اهل بیت کاملترین و بارزترین نمونه های این عناوین هستند؛ همچنان که پیامبر^(ص) در حدیث مشهور، نقلین ایشان را از قرآن و قرآن را از ایشان جدایی ناپذیر معرفی کرده است و رهیابی امت به زلال هدایت را بسته به جدا نشدن از قرآن و اهل بیت دانسته است. در ادامه باید گفت یکی از ویژگی هایی که لازم جاودانگی قرآن است این است که قرآن بیانگر خطوط کلی و اصول است. اگر قرآن رایانگر جزئیات مسائل و نمایانگر حوادث خاص بود با پیام آن

جزئیات و حوادث، ایام قرآن نیز سپری می شد با گذشت زمان، تنها ارزشی که برای آن باقی می ماند ارزش تاریخی آن بود. امام محمدباقر (ع) چنین می فرماید: اگر بنا بود آیه ای که دباره قومی نازل شده پس از مردن آن قوم بمیرد. از قرآن چیزی برجای نمی ماند لیکن تازمانی که آسمان ها وزمین باقی است، سارسر قرآن در جریان خواهد بود. (محمدبن مسعود عیاشی، التفسیرف، جلد ۲، ص ۱۲۵)

وامام رضا (ع) چنین می فرماید: خداوند متعال قرآن رامخصوص زمان خاص غیر از زمان های دیگر و مردمانی جز مردمان دیگر قرار نداده این است وبه همین جهت است که هر زمان نو وجدید ودر نزد هر قوم تا قیامت تازه است. (محمدباقر مجلسی، بحالانوار، ج ۲، ص ۲۸۰)

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۳. العیاشی، ابی‌التضر محمد بن مسعود، التفسیر، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا.
۴. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار.
۵. محمد دشتی، نهج‌الحیاء (فرهنگ سخنان فاطمه^(س))، چ نهم، قم، موسسه تحقیقاتی امیرالمومنین علی^(ع)، بی تا.
۶. محمد هادی معرفت، علوم قرآنی، قم، موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهدی، ۱۳۷۸ هـ.ش.
۷. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار.
۸. نهج البلاغه، سیدعلینقی فیض الاسلام، تهران، مرکز نشر آثار فیض الاسلام، ۱۳۶۵ هـ.ش.
۹. جلال‌الدین سیوطی، الدر المنثور، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۱۰. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۱۱. شیخ الحر العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۱۲. محمد هادی معرفت، علوم قرآنی، قم، موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهدی، ۱۳۷۸ هـ.ش.
۱۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۱۴. جلال‌الدین سیوطی، الدر المنثور، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۱۵. العیاشی، ابی‌التضر محمد بن مسعود، التفسیر، تهران، المکتب العلمیه الاسلامیه، بی تا.